

## بسمه تعالی

نشست پنجم از سلسله نشستهای فلسفی خانه اندیشمندان علوم انسانی با حضور جنابان آقایان

دکتر حمیدرضا آیت اللهی و دکتر مصطفی تقوی (۱۳۹۳/۲/۲۳)

### «فلسفه تکنولوژی: خودمختاری تکنولوژی مساله جامعه ما»

به نام خدا

دکتر آیت اللهی: بحث نشست پنجم فلسفه تکنولوژی: موضوعی که در جامعه ما بسیار مهم است و با یک شتاب بسیار زیادی در چنگال تکنولوژی قرار می‌گیریم و خودمان را به این تکنولوژی‌ها سپرده‌ایم و از آن طرف در جامعه ما یکی از مشکلاتی که وجود دارد برداشت از اقتضاعات تکنولوژی و مسایلی که تکنولوژی می‌تواند برای ما داشته باشد، برداشت مناسبی نداریم همین باعث شده که بسیاری از مسایلی که در جامعه ما اتفاق می‌افتد دچار یک نوع سطحی بینی شوند و آن مسایل را به طور عمقی مورد توجه قرار ندهند. این که ما فقط تکنولوژی رو در مسایل می‌بینیم، این که تکنولوژی را در ماشین ببینیم و در ابزارهای اتوماتیک ببینیم این یک آفت است. آفت دیگری که مهم است این که تکنولوژی را به عنوان یک ابزار صفر ببینیم که اگر آدم خوبی بخواهد از آن استفاده کند می‌تواند به بهترین نحو، استفاده خوبی از آن داشته باشد و اگر آدم بدی بخواهد از آن استفاده کند این آدم همین تکنولوژی را در مسیر بد استفاده می‌کند.

مثالی هم که در این زمینه زده می‌شود این است که شما می‌توانید چاقویی را به دست جراحی بدهید که این جراح می‌تواند مشکلات یک نفر را حل کند و در اختیار قصاب قرار دهیم یک نوع دیگری می‌تواند کاری انجام دهد و در اختیار جانی قرار دهیم می‌تواند آدم بکشد. آیا تقصیر چاقو است؟ چاقی که تقصیری ندارد. در واقع تکنولوژی ابزاری است که در اختیار افراد قرار داده می‌شود، این طرز تفکر خام در مورد انرژی می‌تواند عواقب ناچوری برای مواجهه ی ما با انرژی داشته باشد.

بحث امروز که هم بنده (آقای آیت الهی) و هم جناب آقای تقوی دارند بیشتر برمی‌گردد به اصلاح نگاه ما، که در مورد تکنولوژی داریم و این که این نگاه اگر اصلاح شود چه قدر برای جامعه ی ما مهم است، خیلی وقتها ما نگاه می‌کنیم که مثلا خواندن فلسفه تکنولوژی به چه دردی می‌خورد؟ این از آن مواردی است که اصلاح نگاهش حتی می‌تواند تأثیرات بسیار خوبی برای جامعه ما داشته باشد. اولین مساله‌ای که باید تاکید کرد، این است که ما اگر تکنولوژی را به گونه‌ای

بینیم که خودش یک اقتضاهایی دارد، بنابراین وقتی در جامعه دچار بحران‌هایی در مورد تکنولوژی می‌شویم، این را استناد به عوامل مرموز و عوامل مخفی و قدرت‌های نامرئی نمی‌کنیم، به جای این که راه‌حل را پیدا کنیم، راه‌حل را از جایی پیدا می‌کنیم که ربطی به آن موضوع ندارد یک خانه را دزد زده و همه به دنبال یک نوع خاصی از دزد می‌گردند و بعد وقتی با فرد متهم، متوجه می‌شویم اصلاً نباید به آن فرد مضمون می‌شدند بلکه جریان کس دیگری است که این کار دزدی را انجام داده است وقتی به موضوعی اشتباه نگاه می‌کنیم، بعد عکس‌العمل نشان می‌دهیم یا با یک نفر شروع می‌کنیم به کلنجار رفتن، این دعوا مرافعه‌ها، ادامه پیدا می‌کند تا کار به جایی می‌رسد که آن دزد مرتب می‌آید و از خانه ما دزدی می‌کند، شاید در مورد تکنولوژی با چنین مساله مواجه می‌شویم اولین مساله‌ای که در مورد تکنولوژی مطرح است این است که یادمان باشد تکنولوژی منحصر به ابزارهای مکانیکی و حتی عمرانی صفر نیست. تکنولوژی به دو صورت است سخت و نرم. تکنولوژی‌های سخت، همان‌هایی که به صورت ابزارهای صفری می‌بینیم مثل موبایل اما ما تکنولوژی‌های نرم مهمی داریم تکنولوژی‌های که ما را باید از جایی به جای دیگر برساند، فردی آمده و می‌خواهد به فرزندش مطلبی را آموزش دهد، روش آموزش چیست؟ ما چیزی داریم به نام تکنولوژی آموزشی و حتی رشته دانشگاهی هم به این نام داریم، در تکنولوژی آموزشی می‌آید روش‌های مختلف و جریان‌های مختلف را به فرد یاد می‌دهد که اگر کارهایی که من بر این اساس می‌گویم را انجام دهید نهایتاً بچه شما که این مقدار درس را بلد است به درجه بالاتری می‌رسد و می‌تواند در کنکور قبول شود. الان تقریباً کنکور یک کار تکنولوژیکی شده در حالی که نباید این طور شود، کسی تکنولوژی تست زدن را یاد می‌دهد...

یکی از اصلی‌ترین موارد در دنیا که کار تکنولوژی نرم را می‌کند مدیریت است. ابتدا مدیر می‌آید یک نظریه ارائه می‌دهد و می‌گوید من نظریه مدیریتی دارم که کارهای فلان سازمان اجتماعی شما را تغییر می‌دهد.

برای این که سازمان اجتماعی شما ۵۰٪ بهره‌برداریش بالا برود، این روش‌ها را باید در آن به کار ببرید، روش یعنی باید مسایل‌تان را بفهمید باید نقاط ضعف و قوت خودتان را بفهمید تهدیدها را بفهمید بعد از این که تکنولوژی آمد ضرب و تقسیم می‌کند با هم دیگر تغییراتش را مشخص می‌کند بعد یک راهبرد نشانمان می‌دهد بعد راهکارهایی می‌دهد، بعد راهکارهای را دسته‌بندی می‌کند و بعد از آن می‌گوید مثلاً بعد از این مدت می‌بینیم که بازدهی اداره‌ها از ۱۰ درصد به ۳۰ درصد می‌رسد و بعضی از افراد این قدر قوی هستند که قبل از شروع بالا بردن وضعیت اداره مربوطه را تضمین می‌کنند.

با تکنولوژی‌هایی که معمولاً با نام ISO، استانداردهای‌ها و در واقع این که این استانداردها را ساختیم بر اساس چه روشی به آن‌ها برسیم که معمولاً موثر هم هست.

ما تکنولوژی آموزشی داریم، تکنولوژی مدیریت داریم این‌ها زمینه‌ها و روش‌های تکنیکی‌اند (تکنیک‌های مالی، اقتصادی)، که تکنولوژی آموزشی و مدیریت را خیلی مهم می‌دانیم. خود این‌ها یکی نوع در اختیار داشتن تکنولوژی است اما سوال این

است که این‌ها ابزاری هستند که من هر کاری بخوام در زمینه این‌ها انجام دهم می‌توانم یا نه؟ یک ابزاری است که به من کمک می‌کند که دانش‌آموزانم یا دانشجویانم را از این سطح سواد به سطح سواد دیگری برسانم آیا صرفاً فقط همین هستند؟ این خوب است که ما یاد بگیریم هر چیز را چه‌طور یاد بگیریم. این جا چیزی مطرح است که آیا تکنولوژی واقعا این است یا نه؟

کار عمده‌ای که فیلسوفان تکنولوژی می‌کنند این است که:

اولین بار ماسک بود که این را مطرح کرد ، آیا ما هستیم که ابزارها انتخاب یا ابزارهای موجود جامعه هستند که مناسبات‌های اجتماعی ما را در جامعه تعیین می‌کنند. ۱- از مناسبات‌های اجتماعی روابط اقتصادی ما را تعیین می‌کنند ۲- حتی برخی از ابزارهای یک سری فرهنگ‌های خاصی را می‌زایند، حتی یک اخلاق خاصی را می‌زایند در اصل خوب و بدی که در جامعه هست وابسته به ابزارهایی است که در جامعه وجود دارند این یک تلقی خام از مارکس هست که بعضی از مارکسیسم‌ها از آن استفاده و حتی دین می‌سازند یعنی دینی که در جامعه فتودال است یا دینی که در جامعه سرمایه‌داری هست تفاوت‌هایی دارد اقتضاعات جامعه است که دین در می‌آید در اصل اقتصاد می‌شود زیربنا و دین و فرهنگ می‌شود روبنا که البته مارکس واقعا این حرف را زده یا نه یک بحث دیگری است.

متناسب با این حرف سوالی پیش می‌آید که می‌توانم در جامعه ی خود دینم را عوض کنم، اخلاقم را عوض کنم؟ می‌گوید نه، آیا من در جامعه از یک حالتی به حالت دیگر می‌روم این را من انتخاب می‌کنم یا نه، شرایط اجتماعی من رو به این جا می‌رساند.

یک چیزی شاید شنیده باشید به نام جبریت تاریخ، مارکس به این معتقد بود یعنی این که تاریخ، شما این را بخواهید یا نخواهید این راه را می‌رود، این چرخ بزرگ تاریخ اراده‌های انسانی را خورد می‌کند.

از این جا به بعد بحثی مطرح شد که آیا تکنولوژی جبریتی دارد یا نه؟

که (های دیگل) که در مقاله معروف خودش (هنرو تکنولوژی) آن‌جا مطرح می‌کند که هنر تکنولوژی جدید با قدیم فرقی دارد، در ابزارهای قدیم یک وسیله داشتیم برای این که برای شما کاری انجام دهد مثلا ارابه برای انتقال مردم از جایی به جای دیگر بود، اما بعد که گذشته گفت چرا مزرعه‌ای داشته باشم که خرجم را بدهم؟ اگر بتوانم ۵۰۰ هکتار زمین داشته باشم و گندم بکارم و درو کنم خیلی پولدار می‌شدم اما باید کلی کارگر داشته باشم و خیلی طول می‌کشد تا این که وسیله‌ای به اسم کمباین می‌آید و کار را ۲ روزه تمام می‌کند و دیگر تیز به آن همه کارگر هم نخواهد بود.

تکنولوژی جدید برای این است که بسیاری از این انرژی‌هایی را ذخیره کند، وقتی ذخیره می‌کنید یعنی عالم را دچار انضباطی می‌کنید و به محض این که این کار را انجام می‌دهیم، در خود این روحیه را ایجاد می‌کنیم به نام روحیه سازمانی

مثلا شما در سازمانی هستيد مقتضياتي دارد كه هر كاري را نمي‌توانيد انجام دهيد و بايد كارهاي خاصي را انجام دهيد. اين روح سازمانی كاري مي‌كند كه شما خارج از اين روحیه سازمانی نمي‌توانيد كاري بكنيد .

مثالی در مورد آموزش كه در قدیم حوزه داشتیم معلم را خود افراد انتخاب (سرکلاس مي‌رفتند اگر از استاد خوششان مي‌آمد مي‌ماندند در غير اين‌صورت به سر کلاس استاد ديگري مي‌رفتند)، امتحان نداشتند و در نتیجه به طورطبيعی سعی مي‌کردند عمقی درس‌ها را ياد بگيرند، حتی مخارج زندگیشان را مي‌دادند تا درس بخوانند در اصل پول مي‌گرفتند برای درس خواندنشان.

اما در زمان فعلی ۱-کنکور ۲-استاد ۳-امتحان ۴-مدرک و بر اساس مدرک در جامعه یعنی تکنولوژی جديد آموزشی. و حوزه‌ها نيز دچار تغيير شده و هر چه كه در تکنولوژی آموزشی جديدي هست در حوزه‌ها هم هست حالا يك سوال پيش مي‌آيد كه چرا اين كار را كرديم؟ ۱-استكبارجهانی ما را مجبور كرد. ۲-اين كه اين دومی بهتر است.

در زمان حال اين روح بر ذهن همه حاكم است كه اين تغيير بهتر است و مشخص مي‌شود كه چه كسي بهتر از ديگري است و نظمی در نظام آموزشی برقرار است. يك حوزوی وقتی در سیستم خود هست وقتی مي‌آيد در دانشگاه مثلا درس معارف مي‌دهد طلبه‌ای كه ۱ سال درس خوانده و مي‌آيد كه در دانشگاه درس دهد با استادی كه ۲۰ سال درس خوانده است، كه نمی‌شود به يك میزان حقوق بگيرند.

چه كسي حوزه را مجبور کرده كه تغيير كنند، تکنولوژی مجبورشان کرده است و با اراده خودشان- و در واقع تقلب ذات تکنولوژی آموزشی حاكم در دانشگاه است نظام آموزشی از حالي به حالت ديگر تغيير کرده است. چه كسي مسوول اين تغيير است؟ خودمان، آيا مي‌توانستيم كار ديگري بكنيم؟ نه! پس نظام تکنولوژی دانشگاهی خود به خود يك نوع زندگي را برای ما تعيين مي‌كند در واقع اين مربوط به اين است كه چگونه تکنولوژی زندگي ما را تغيير مي‌دهند.

مثلا يك نفر رييس اداره است توقع داريم كه مشكلاتمان را رفع كند و يا از وزيرعلوم مي‌خواهيم به ما مدرک دهد اما نمی‌تواند حتی درصدي حقوق كسي را بالا ببرد چرا كه هر كاري مربوط به قسمت خاصي است. و در اصل مسيرتکنولوژی بر ما حاكم است و ما يك سری رفتارها و كارها را مجبوريم كه انجام دهيم كه به اين مي‌گويند اترمينيسم تکنولوژی.

يعنی تکنولوژی خود مختار است كه به ما القا مي‌كند كه چه كارهايی انجام دهيم.

روابط اجتماعی ما را تغيير مي‌دهد در زمان قدیم بزرگ‌ترين اتاق، برای مهمان خانه بود اما الان نهايتاً ۳ و ۴ نفر مهمون داريم و يا بايد روابط خانوادگی را با شرايط ايجاد شده كم كنيم.

های دیگل در این موضوع را مطرح کرد که نه گشتل همه چیز را خودش به ما تلقین می‌کند. خوب حالا ما چه کار کنیم در مورد تکنولوژی که ما را به تعرض به مقابل طبیعت می‌خواند؛

۱- بجنگیم در حالی که تکنولوژی فرد نیست که با آن بجنگیم.

۲- به جایی که تکنولوژی نباشد نقل مکان می‌کنیم. و سعی کنیم همان حالت سنتی خود را حفظ اما در واقع این انسان‌ها محکوم به شکست شده و در جامعه منزوی می‌شود.

۳- علم، تکنولوژی را ایجاد کرده؟ یا تکنولوژی علم را؟ ما می‌گوییم اول تئوری خوانده ایم بعد تکنولوژی. در حالی که هایدیگل می‌گوید نه! اتفاقاً نگاه تکنولوژیک‌وار که می‌خواهیم طبیعت را به نظم در بیاوریم و انضباط ببخشیم و در یک مسیر قرار بدهیم ما را بر می‌انگیزند که برویم علم یاد بگیریم و لذا علم موخر بر تکنولوژی است.

حالا سوال این است که یک خطر بزرگی ما را تهدید می‌کند که چه کار کنیم؟ نهایتاً هایدیگل نظریه ای دارد که ما هیچ کار نمی‌توانیم انجام دهیم، تنها کاری که می‌شود انجام داد این است که بروید و بفهمید که تکنولوژی این بلا را سرتان آورده و نهایتاً اگر بخواهیم کاری انجام دهیم، با هنر و خلاقیت‌هایی که خلق کنید می‌توانید از این حصار که تکنولوژی برایتان خلق کرده است دربیایید!

درست است که تکنولوژی چیزهایی را به ما تلقین می‌کند اما خود تکنولوژی هم می‌تواند تحت تاثیر ما قرار گیرد ما هم می‌توانیم تکنولوژی را به یک نحوی تغییر دهیم. یک تحلیلی مانند هایدیگل که می‌گوید تکنولوژی هنرش کانون زدایی است. مثالش این است که، سفره محل جمع کانون خانواده و مطرح کرده وقایع و برقراری روابط عاطفی بود و این که آشپزی به عنوان هنر و کار مطرح می‌شد در صورتی که در زمان حال فست‌فود کار خوردن در زمان آسان و سریع است و از بین بردن این کانون و راه‌حل آن این است که برای تکنولوژی‌های جدید به وجود آمدن کانون‌های جدید اقدام کنیم. نسبت به کانون‌ها که از بین برده ایم. می‌گوید مثلاً به وجود آمدن سالن‌پذیرایی که بزرگ‌تر است نسبت به از بین رفتن اتاق مهمان.

فین برگ می‌گوید درست است که تکنولوژی برای ما اقتضاعاتی دارد اما هر اقتضاعی که نمی‌شود. بستر اجتماعی و شرایط در آن دخالت دارد.

مثلاً بحث محیط‌زیست را مطرح می‌کند که مردم می‌توانند دخالت کنند با نگاه دموکراتیک، جلوی عواقب را بگیرند بعد از این ماحصل حرف (دنایدین) درست است که تکنولوژی مسائلی را مطرح می‌کند. اما برای ما ره‌هایی هم هست.

ما ۵ راه داریم که تکنولوژی می‌گوید از بین این ۵ راه، حق انتخاب داریم. بنابراین ما علاوه بر محدود شدن مقابل تکنولوژی و نوعی انفعال در مقابل خودمختاری تکنولوژیکی، می‌توانیم انتخاب داشته باشیم که در فلسفه علم به نام اصل عدم تعین مطرح می‌شود. یعنی نمی‌توانیم به این سادگی پیش‌بینی کنیم.

و در نتیجه خیلی از پیش‌بینی‌های آن‌ها درست از آب در نیامد.

به چه دلیل در نظام انگلیس و امریکا سرمایه داری شکست نخورد مارکس آمد و اشکالات کار را رفع کرد اشکالات به مارکسیسم را جدی می‌گرفتند و چیزهایی را پیش‌بینی کرد و دقیقا ناگریز بودن را نشان داد و آن‌ها یک سری اصلاحات انجام دادند، بیمه‌های اجتماعی، محدودیت قوانین زمان کار در هفته و ... ایجاد کردند و خودشان را مبرا کردند که از نظر من اگر مارکسیسم‌ها یا سوسیالیسم‌ها در شوروی سابق هم می‌توانستند چنین کاری کنند که، اشکالاتی را که سرمایه‌داری به وجود آورده بود، جدی می‌گرفتند در نتیجه شکست نمی‌خوردند. همان کاری که پوتین فهمید و نیز چینی‌ها یک دفعه کاری کردند و یک تغییرات اساسی به وجود آوردند نهایتا دنایدین یک نوع نگاه به تکنولوژی را القا می‌کند و مطرح می‌کند. همه این حرف‌ها بر این بود:

۱- باید بدانیم که تکنولوژی یک سری مطالب را به ما القا خواهد کرد یعنی ذات تکنولوژی این است مثلا: سال ۶۰ ویدئو ممنوع بود جلو تکنولوژی چه طور توانستیم بایستیم؟ رسانه ما تنها ۱ کانال بود اما الان ۲۰ کانال و نتوانستیم جلوی تکنولوژی بایستیم مجبوریم، رسانه ... یا این که بعدها ماهواره آمد و نتوانستیم جلویش بایستیم و ... تکنولوژی را از در بیرون کنیم از پنجره داخل می‌شود...

یکی از راه‌هایی که متاسفانه در کشور ما است این است که: ما می‌آییم و یک دشمن فرضی می‌سازیم به نام استکبار جهانی به نام رابرماردوخ، که رسانه‌های جهانی را در اختیار دارد، که خیال می‌کنیم ماردوخ هر کاری می‌تواند با CNN انجام دهد؟ این خام‌نگری در جامعه چه پشت هر گونه ضرر که به جامعه از تکنولوژی می‌رسد ناشی از یک اراده خبیث هست؟ این یک ضرر بزرگ جامعه ماست چون به جای این که با کس دیگری دعوا کنیم با کسان دیگری دعوا می‌کنیم، سوال آیا همین خودمختاری تکنولوژی که برای ما وجود دارد برای CNN هم وجود دارد برای bbc هم وجود دارد؟ برای فارسی‌ها هم وجود دارد؟ اما یک هنری که آنها دارند می‌دانید چیست؟ هنرشان این است که شرایط اجباری آن را می‌بینند و بر موج سوار می‌شوند و بر موج سوار شدن این جور است که موج خودش می‌آید و روی موج سواری می‌شوند و بر اساس این که روی موج سوار می‌شوند برنامه‌ریزی می‌کنند. این نوع نگاه توطئه‌نگر که ذات تکنولوژی را مغفول می‌گیرد بسیار برای جامعه ما خطرناک است و مدام در حال بد و بیراهه گفتن به دیگران هستیم و خیال می‌کنیم این بد و بیراهه که بعضی از شخصیت‌های دولتی نیز آن را محکوم می‌کنند. حالا به هر حال بعد از تمام این بد و بیراهه‌ها، اوضاع چه تغییری کرد؟ و فقط نوعی نفرت ایجاد کردیم و مانند زمان قدیم که هر موقع اشکالی پیش می‌آمد می‌گفتند از طرف انگلیس است، خوب بر

فرض هم کار انگلیس‌ها باشد ما خودمان باید چاره‌ای کنیم و مشکل را رفع کنیم بنابراین آن اصلاحاتی که ما باید در درون خودمان انجام دهیم، انجام نمی‌دهیم و مرتباً می‌خواهیم مقابله کنیم، دعوا می‌شود بر سر فیلترینگ، ماهواره می‌خواهیم فیلتر کنیم، خیال می‌کنیم مگر می‌شود؟ ما می‌خواهیم فیس‌بوک و ... را فیلتر کنیم.

به راه‌های دیگر باید فکر کرد به جای این که مدام فکر کنیم که یک سری افراد در جامعه ما می‌خواهند چه بکنند و این درک عمیق و این مساله یکی از ضروریات‌های جدی جامعه ماست که امیدواریم که رفته‌رفته به این باور برسیم که این اقتضاعات ذاتی تکنولوژی است و نمی‌شود برویم با شخص دعوا کرد، مانند بچه که سرش به در می‌خورد ما در، در را می‌زند! و احتیاج تعمق جدی در این رابطه داشته باشیم.

سخنان آقای تقوی: بحث خودمختاری و موجبات تکنولوژی

کارل وی‌چال که ۲ سنت در فلسفه تکنولوژی را مطرح می‌کند تکنولوژی مهندسی و تکنولوژی انسان‌گرایانه

در فلسفه تکنولوژی مهندسی، نگاهی مثبت به تکنولوژی دارد و قرار است تکنولوژی گره از کار فروبسته خلق باز کند و در امتداد این سنت شاهد این است که عده‌ای از مهندسان مسایل مشکلات اجتماعی و اقتصادی را نیز با تکنولوژی حل کنند و این زمینه تاریخی تکنوکراسی است این که مشکلات بشر را تکنولوژی حل کند.

سنت مقابل، دغدغه آثار منفی تکنولوژی را دارد که این دسته از فیلسوفان دغدغه آثار منفی را دارند و می‌ترسند که تکنولوژی بلایی بر سر بشر بیاورد بحث خودمختاری و موجبت تکنولوژی در این سنت به‌وجود آمده است. شاید تاثیرگذارترین شخصیت که در این بحث بوده الول در اثر مشهورش بود آثار الول از لحاظ دقت فلسفی ارزشی ندارند اما تاثیر بسیار زیادی گذاشتند و خیلی‌ها در مورد آثارش واکنش نشان داده‌اند.

تعریف خودمختاری تکنولوژی تکنولوژی دارای ذات خودمختار است و بر اساس منطقی وابسته به خودش است و مسیر خود را طی کند و از هیچ عامل بیرونی تحت‌تاثیر نیست در اصل خودبینان است در اصل ذات برای تکنولوژی قائل است و آن ذات را هم خودمختار می‌داند.

موجبت تکنولوژی، این تکنولوژی است که نهادهای اجتماعی را شکل می‌دهد و مدیریت می‌کند مثال نهاد اقتصاد، برخی متقدند تکنولوژی هم خودمختار است و هم دارای موجبت یعنی هم متحول می‌شود و هم چیزهای دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد در عین حال نهادهای دیگر را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و تعیین می‌کند و همین الان سوال ایجاد می‌شود که اراده انسانی تکنولوژی را به‌وجود می‌آورد که هم خود مختار است و هم موجبت دارد؟

سوال مهم آیا این ممکن است که تکنولوژی خود مختار نباشد ولی تعیین بخش باشد؟

یعنی ما بیاییم بگوییم تکنولوژی یک ذات مخصوص به خود که خودمختار است، ندارد و تکنولوژی یک برساخته اجتماعی است و ما انسان‌ها جمع شدیم و این تکنولوژی‌ها را برای خودمان ساختیم این که قائل نباشیم خودمختار است آیا باید قایل نباشیم که تعیین بخش است؟ یعنی با وجود این که خودمختار نیست دست و پای ما را می‌بندد؟ مساله مهم است.

ما باید تکلیفمان را در تعریف تکنولوژی مشخص کنیم،<sup>۴</sup> تعریف عمده برای تکنولوژی است مجموعه مقالات در مقاله کلاین است که تعریف تکنولوژی را در آن جامع کرده است.

برخی به سادگی تکنولوژی را ابزار می‌دانند برخی ابزارهای سخت می‌دانند و برخی علاوه بر ابزار سخت ابزار و نرم هم می‌دانند تعامل یافته این نگاه نرم به ابزار را می‌توان در کتاب مشهور خانم ژوینگ‌جین ببینیم در حیطه مدیریت و سیاست‌گذاری تکنولوژی است. ابزار می‌تواند هم طبیعی و هم مصنوعی باشد.

پیامدهای به‌وجود آمدن یک ابزار آیا قابل پیش بینی هست یا نه؟

تعریف دوم تکنولوژی اگر امری معطوف به موفقیت است خود ابزار که نمی‌تواند چنین امری را محقق کند یک ابزار را بگذارید اینجا نسبتی با هدف ندارد درست است که به‌خاطر هدف خاص طراحی شده ولی تا من کاربر نباشم این که آن خاصیت خود را ایفا نمی‌کند. طرفداران نظر دوم می‌گویند بیاییم تکنولوژی را نه ابزار بلکه به کارگیری ابزار تعریف کنیم و نوعی فعالیت انسانی است که اسمش را به کارگیری ابزار می‌دانیم. مقاله‌ای خود آقای تقوی در مورد نقد دو مدل از تعریف تکنولوژی مطرح کرده‌اند.

ما بیاییم تکنولوژی رو نوعی چارچوب شناختی هنجاری بدانیم، چهارشناختی یعنی این که فرض‌هایی که ما بر اساس آنها به نوعی، وقایع گوناگون را می‌بینیم مثل طبیعت مثل جامعه مثل زبان یعنی واقعیت‌های گوناگون را با نوعی پیش‌فرض‌هایی می‌بینیم که در فلسفه علم این اصل را زیاد می‌بینیم.

چه کسی چنین نظری دارد؟ های دیگل فیلسوف سوء تفاهم‌هاست که در یک تفسیر از های دیگل در یک نسخه و فهم و اصل گشتل نوعی نحوه خاص دیدن امور بدانیم.

تعریفی که دلفی‌ها دوست دارند که برترین دانشگاه صنعتی هلند است که در آن دانشکده‌ای وجود دارد که از علم و هنر گرفته تا تکنولوژی و کسانی که این کار کردند کتابی تالیف کردند به نام رویکرد در فلسفه تکنولوژی که در این کتاب بحث‌های مطرح شده است که، امر مصنوع یک ماهیت دوگانه دارد یک ماهیت فیزیکی و یک سوشال دارد.

در تعریف چهارم تکنولوژی را تعریف نکرده‌اند در واقع گفتند که ما برای مقاصد فلسفی و جامعه‌شناختی یک واژه جدید جعل می‌کنیم به اسم سیستم اجتماعی تکنیکی و الان ما حق داریم که یک سوالی را مطرح کنیم اگر این واژه بهتر حکایت



می‌کند که این پدیده‌های تکنیکی را باید سیستم‌های اجتماعی، تکنیکی خودمختار دانست یا خیر! آیا سیستم‌های اجتماعی، تکنیکی موجبیت دارند یا خیر!

در خصوص دیدن ابعاد اجتماعی و انسانی تکنولوژی، در ادبیات فلسفه تکنولوژی دو جریان وجود دارد ۱- جریان این که می‌گویند تکنولوژی نرم و سخت که در ترکیب هم به ظهور می‌رسند تکنولوژی هر چه که هست بر اساس توان الی شکل می‌گیرد و این توان الی را ممکن است از یک امر سخت بگیرد یا ممکن است از ساختارهای اداری و اجتماعی بگیرد.

ای یک ادبیات است که تبدیل می‌کند ابزار را به سخت و نرم و تکنولوژی را به سخت و نرم و یک ادبیات دیگر وجود دارد که این را نمی‌پسندد و ترجیح می‌دهد از سیستم‌های اجتماعی تکنیکی استفاده کند، به نظر ایشان این ادبیات دوم بهتر است چون در ادبیات اول با یک معضلی مواجه هستیم و آن این است که کادال پاور (خاصیت الی) برآمده از امری ساده چه طور می‌تواند ممکن باشد.

سوال که این جا پیش می‌آید این است که آیا ما چیزی به اسم واقعیت اجتماعی داریم که کادال پاور داشته باشد (خاصیت الی داشته باشد) این جا بحث آغاز می‌شود آیا بحث اجتماعی دارای قوه الی هست یا نه؟

بر می‌گردیم به بحث خودمختاری تکنولوژی که آیا تکنولوژی خود مختار است آیا شما تکنولوژی را سخت‌افزای می‌فهمید؟ نه! مگر آن که به نحوی از آن‌ها استدلال کنیم که ماده دارای ذات خودمختاری است. ابزار اجتماعی چون قوه الی از انسان و روابط انسانی می‌گیرد می‌تواند درجاتی از خودمختاری داشته باشد.

تعریف دوم! تکنولوژی به عنوان به کارگیری ابزار، یک فعالیت انسانی است در این صورت تکنولوژی قطعا یک امر خودمختار است، برای این که انسان ذات خودمختار دارد درجاتی از اختیار دارد می‌تواند تصمیم بگیرد بر اساس اراده خودش! و در یک حیظه‌هایی درجه آزادی دارد می‌تواند آدم بکشد و یا درمان کند.

در تعریف سوم! آیا تکنولوژی از دیدگاه‌های دیگل، تکنولوژی خود مختار است؟

آن چهار چوب دوگانه دی‌کارت را حذف نه ضد آن را، بلکه چهارچوب مناقشه را تغییر می‌دهد و انواع بودن در جهان را اساس کار خود قرار می‌دهد در واقع ما به عنوان مختلفی می‌توانیم در جهان باشیم از این رو،‌های دیگل هم در آثار قبلی و هم فعلی منتقل شده است به آنها به صورت مختلف انکشاف هستی! اقیانوس به مصایح یک الهه جان دار، جاننداری که الهه است انکشاف پیدا می‌کند بر پولنزی‌ها! برای وایکینها به عنوان موجود بی جان انکشاف نمایان می‌کند! وایکینها برای اقیانوس پیمایی ابزارشان را اختراع می‌کنند و پرلتری‌ها ابزارشان را کشف می‌کنند.

آیا این من انسان هستیم تا هستی به شکل خاصی بر ما انکشاف پیدا کند یا نه این هستی است که اراده دارد به نحو خواستی بر ما انکشاف پیدا می‌کند قطع و یقین‌های دلیل معتقد به نقش انسان در انکشاف هست در این شکلی نیست چون جملات خیلی واضحی در این باره دارد. اما در این خصوص که آیا هستی منتظر است من بیایم آن را با یک چهارچوب بر خود منکشف کنم یا نه، خودش هم اثری دارد در فلسفه، های دیگل این موضوع که خودش اثر می‌گذارد مبهم است! اگر ما قائل به این باشیم که خود هستی حائز یک نیروی است، حائز یک اراده‌ای است در آن صورت انکشاف گشتی که یک جور انکشاف است یک مقدار اراده انسان بر آن تاثیر گذاشته در نتیجه هستی هم نقش داشته است و در این صورت گشتل درجاتی از خودمختاری را که در اختیار نباشه حائز خواهد بود.

بحث چهارم، سیستم تکنیکی اجتماعی واضح است که درجاتی از خودمختاری دارد چرا؟ چون سیستم اجتماعی تکنیکی علاوه بر سخت‌افزار توسط انسان‌ها ساخته می‌شود.

جمع‌بندی تکنولوژی اگر سخت‌افزار قلمداد کنیم خود مختار نیست اما موجیبت دارد چرا؟ برای این که مصنوعات ممکن است تجلی‌گاه مبانی شناختی هنجاری ما باشند فیلم برگ معتقد به این موضوع است نظام تکنیکی امروز تجلی‌گاه ارزش‌های سرمایه داران است. هم تجلی مادی هم تجلی اجتماعی تجلی ماده شما می‌توانید مترو بسازید ولی برای معلول مکانی برای عبور بسازید یا نسازید، می‌توانید چکش بسازید متناسب کودکی که نباید کار کند بله می‌توانیم چکش تنها برای بزرگسالان در مغازه‌ها بگذاریم، این که هنجارها تجلی مادی و اجتماعی پیدا می‌کنند قیودی در زندگی ما ایجاد می‌کنند مثلا امروز برای بیرون آمدن از خانه با اسب نمی‌توانیم بیرون بیاییم برای این که در راه‌های تعیین شده هیچ راهی برای آمدن با اسب مشخص نشده است اگر فین برگ با شواهد موجود استدلال می‌کند نظام تکنیکی امروز تجلی‌گاه ارزش‌های سرمایه‌دارانه است چون فرهنگ ما مبانی شناختی فرهنگ سرمایه‌داری را نمی‌پسندد ما فرهنگ خاص خود را داریم. در فرهنگ ما فرهنگ سنتی ما، فرهنگ سرمایه‌داری را نمی‌پسندد.

سوفی ابن‌الوقت باشد ای رفیق، نیست فردا گفتنت شرط طریق

فکرت ماضی و مستقبل بود، چون از این دراست مشکل حل شود

شما این مرام شگرف این مکتب را در جهان امروز که جهان تکنولوژی است با مرام سرمایه‌مدارانه نمی‌توان اجرا کرد.

آن کسانی که می‌گویند ما می‌توانیم دین‌دار باشیم در عصر تکنولوژی، این‌ها تکنولوژی را عمیق نفهمیدند کشف، فهم آموزه‌های عرفانی و دینی و اجرای آن در زندگی روزمره در جهان مدرن و تکنولوژیکی امروزی به این شیوه، سخت است. به امید آینده‌ای که در آن ما یک نظام ابزاری و تکنیکی بدیل و متناسب با هنجارهای خودمان داشته باشیم.